

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۴

زمزمه های دلنشین!!!

باز شاخ بارداری، زیب گلشن میشود غنچه های آرزو یکسر به دامن میشود
"مشرب پروانه دارم در طریق سوختن شاد میگردم چراغ هرکه روشن میشود"

برای مهاجرانی به سن و سال من در غربت که زندگانی مادی و معنوی خود را برباد رفته میپندارند، داشتن دوست رمز آشنا، سخنشناس همدل و همنوا، نعمتی ست بزرگ. من که با مهاجرت بالاجبار و اقامت در جرمنی خود را از هر جهت تنها و دلگیر احساس می کردم، یگانه رفیق شفیع در دنیای تنهایی و بی کسی، پناه بردن در آغوش خواندن و نوشتن، سرودن شعر و همکاری با نشریه های فعال برونمرزی چون مجله وزین «آئینه افغانستان» به مدیریت پوهاند استاد سید خلیل الله هاشمیان و مجله هر دل پسند «درد دل افغان» به مدیریت فرهنگی و مطبوعاتی فرهیخته و سابقه دار، جناب سراج الدین و هاج در کلیفورنیا و دیگر نشریه ها در جرمنی و هالند بود، که درد غربت و بی سرنوشتی را با آن مداوا می کردم. در اثر چنین تماسها و از طریق این نشریه ها، با سروده های خیلی دلنشین با نازکخیالیهای شاعرانه و ماهرانه ای برخورد کردم که شاعر آن، جناب تیمورشاه تیموری بود. کوشیدم به وسیله ای با جنابشان از نزدیک تماس برقرار نمایم، اتفاقاً دوست مشترک ما، آقای قیوم نیرو لطیف مقیم المان، که قبل از من با تیموری صاحب تماس نزدیک داشتند، از حضورشان در جرمنی به من مژده دادند و صفات نیک و کرکتر عالی

و دوست داشتنی شان را چنان برشمردند، که مرا نادیده، به ایشان گرویده ساخت و نادیده،
عنوان شان منظومه ای انشاد کردم :

بس میکند «لطیف» به من یاد تیموری
اشعار دلنشین وی از بس که نازک است
شست و شکست من شد و هفتاد هم گذشت
هرگز خبر نبود ازین قصه دراز
طبع جوان او که دل از دست میبرد
با یک اشاره مرغ دلی صید میکند
هر مصرعش ز رمز جوانی خبر دهد
یارب ز جور و فتنه ویرانگر زمان
یارب تو تازه دار گل خاطر "اسیر"
چون شعر ناب و طبع خداداد تیموری

خوشبختانه کوشش محبت از هردو جانب بود، چنان که بعدها تیموری صاحب فرمودند،
جنابشان نیز در جست و جوی اسیر خود روز شماری میکردند، تا روزی در برگزاری
محفلی به زیارتشان نایل گردیدم و ایشان را با تمام صفات نیکی که انتظارش را داشتم،
بلکه بیشتر و بالاتر از آن، یافتم. اینک بیش از پانزده سال از فیض محبتشان برخوردار و
از صحبت‌های برادرانه و اشعار نابشان از نزدیک مستفیض میگردم. علاوه به حیث
"پاران باصفا"، همدل و همفکر با پورتال مبارز "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" همکار
میباشیم. دامنه این دوستی و محبت، با مشاعره و مناظره های مکرر، وسیعتر شد که
اینک نمونه ای از آن مناظره ها پیشکش میشود:

باز هم یادی از پیری!!

اسیر مهر توام، ای «اسیر» علم و هنر
شود ز مرحمت خاص تو که یک روزی
توئی گزیده سخنور، که این زمانه نداشت
نباید از غم ایام و درد و رنج و تعب
برای تو ز خدا عمر نوح میخوام
«بود که خاک مرا کیمیا کنی به نظر»
کلاه کج بنهم در مقام عشق و ظفر
به سان جامی و حافظ کلام شیر و شکر
سپر به پشت بیندازی ای خجسته گهر
نه سده و نه نود، بل فزونتر و خوشتر

تو در بهار ادب نزد جمله هم کیشان مقام و منزلت آوردی، ای ادبگستر
بیا و دستِ مرادِ مرا نوازش کن
که من مرید توام، ای خزانۀ گوهر

به آقای تیموری!!

چنان که ذره به خورشید آسمان نرسد "اسیر" نیز بر اورنگ شاعران نرسد
سروده "تیموری" مهربان به توصیف
چه سان اقامۀ شکران کنم به بارگهش
که بی نشانی من خود به آن نشان نرسد
ز گرمی سخن "تیموری" چه بنویسم؟
چو طبع نارس من بر مقامشان نرسد
به نازکی کلام و به طبع موزونش
من و هزار چو من هم به هیچ سان نرسد
دعای خیر نمودند، تا به صد برسد
شمار عمر که ترسم به آن زمان نرسد
به این دوروزه جهان نیست اعتبار، ولی
اگر رسد، به جز از جان ناتوان نرسد
چو ریخت بال و پر، آخر به آشیان نرسد
"شکسته بال تر از من میان مرغان نیست"
به خاک در رسیدن، بر آستان نرسد
من حقیر هم، از پرشکستگان درم
"اسیر" در محک امتحان قرار گرفت
خدا کند که دگر روز امتحان نرسد

جناب تیموری صاحب بخش اول اشعار ناب خود را در سال ۲۰۰۳ع، به دست نشر
سپردند و اینک در نظر دارند، بخش دوم را چون تحفه گرانبها به دسترس علاقه مندان
شعر و ادب قرار بدهند. من این موفقیت را از صمیم قلب به جنابشان و حلقه فرهنگ
وطن مبارکباد گفته و به آرزوی بدست آوردن آن، روزشماری میکنم.

(محمد نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۶ سپتمبر ۲۰۱۴ع)